

# میلاد حضرت معصومه (س) و روز دختر مبارک باد

9 اردیبهشت 1404

به احترام تو قم شاخه شاخه گل آورد

سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ولی خدا، سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر علیه السلام!

ما خستگان و راه ماندگان طریق عشق، به شفاخانه تو پناه آورده ایم تا به آیین کرامت، از دریای شفاعت سیرابمان کنی!

معصومه جان! بغض دلتنگی در هوای بارانی چشم هامان شکسته شده است . یاد بانوی تنها کوچه های مدینه، صبر از کف احساسمان برده است و برای زیارت قبر پنهان مادر مظلومه ات، تاب نداریم. پس به سایه امن حرم تو می شتابیم تا در کنج خلوت حریمت آرام بگیریم.

ای خواهر کریمه رضا علیه السلام! چقدر گلدسته های حرم تو، به آستان آسمانی رضا علیه السلام نزدیک است! انگار طنین صدای او، هر لحظه در هوای قلب هایمان می پیچد که: «هرکس معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، گویی مرا زیارت کرده است»

سلام خواهر قرآن، سلام دختر دین

سلام مادر عصمت، سلاله یاسین

سلام دختر طاها و نور و طور سلام

سلام ای گهر هفت بحر نور، سلام

تو وارث شرف و احترام فاطمه ای

تو دخت موسی کاظم تمام فاطمه ای

عجیب نیست که بابا به تو سلام کند

و یا امام رضا در برت قیام کند

تو پاره ای ز تن پاک احمدی، بانو

تو مادرِ قمِ آلِ محمدی، بانو  
حریم تو حرمِ یازده امام هُداست  
مزار گمشده فاطمه در آن پیدااست  
تو شوی نکرده برای تمام خلق، امی  
تو زینبِ دگرِ فاطمه، به شهر قمی  
به حُرمت حُرمت انبیا قیام کنند  
زیارتِ حرمِ یازده امام کنند  
تو چون امام رضا دُرّ هفت دریایی  
به چشم آل محمد همیشه زهرایی؟  
سزد که اهل سماوات، خاک پات شوند  
خوش آمدی به قم ای اهل قم، فدات شوند  
خوش آمدی به دیار قم، عمه سادات  
قدم قدم به قدومت ز اهل قم صلوات  
به این مقام و به این شوکت و به این اجلال  
سزد امام رضا آیدت به استقبال  
عجب نبود اگر بود از ره تجلیل  
زمامِ ناقه تو روی دوشِ جبرائیل  
عجب نبود که آن روز از فراز فلک  
به خاک بوسیت آیند، فوج فوج ملک  
عجب نبود که گویند اهل قم، یکسر  
که گشته حضرت صدّیقه وارد محشر  
عجب نه اهل قم ار افتخار می کردند

به جای شاخه گل، سر نثار می کردند  
زنان شهر قم از هر طرف، مقابل تو  
ز روی بام فشانند گل به محمل تو  
ز ناچه ات همگی احترام می کردند  
نهاده دست به سینه، سلام می کردند  
به احترام تو قم شاخه شاخه گل آورد  
جنایت و ستم شام را تلافی کرد  
به محفلِ تو فشانند اشک، جای گلاب  
زدند ناله که زینب کجا و بزم شراب؟  
به هر قدم صلوات نثار می کردند  
تو را به خانه «موسی بن خزرج» آوردند  
به بند ناچه تو، دسته دسته چنگ زدند  
ولی به محمل زینب ز بام، سنگ زدند  
قسم به عزّت تو، ای به مقدمِ تو درود  
که جای عمه سادات در خرابه نبود  
به سوی عمه تو شامیان چو رو کردند  
به جای گل، سرِ نی، هیجده سر آوردند  
به اجر این همه ارضِ ادب، کرامت کن  
به روز حشر، تو از اهل قم، شفاعت کن